

تحلیل سیاست‌های قومی، مذهبی و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی و راه‌های ارتقاء آن (مورد مطالعه: قوم ترکمن استان گلستان)

سید هادی مصطفوی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

محمد حسین پوریانی^۱

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

علیرضا محسنی تبریزی

استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

حسین اژدری زاده

استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد نراق، دانشگاه آزاد اسلامی، نراق، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۷/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲

چکیده

از ایران همواره با عنوان جامعه‌ای با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار با ساختار موزاییک گونه یاد شده است. در طول یک دهه گذشته، چهار شکاف اجتماعی نسلی، جنسیتی، قومی و مذهبی دارای اهمیت زیادی در ایران بوده‌اند. یکی از اقوامی که موضوع مناسبی برای مطالعه در چارچوب شکاف‌های قومی و مذهبی است قوم ترکمن است. اکثر ترکمن‌های ایران در استان گلستان، یعنی شهرهای گنبد، بندر ترکمن و مراوه‌تپه ساکن‌اند. ترکمن‌ها مسلمان اهل سنت و حنفی مذهب‌اند. موضوعی که در این مورد بسیار حائز اهمیت است و دغدغه این مقاله نیز به شمار می‌رود تأثیر شکاف‌های قومی و مذهبی بر مشارکت سیاسی در استان گلستان است. با توجه به این مقدمه هدف این مقاله تبیین و تحلیل تأثیر شکاف‌های قومیت و مذهب بر مشارکت سیاسی در استان گلستان است. سؤال اصلی مقاله این است که قومیت و مذهب به عنوان دو شکاف مهم و برجسته در کل ایران و به ویژه استان گلستان چه تأثیری بر سطح مشارکت سیاسی در این استان و نیز جهت‌گیری‌های آن به سمت جناح‌ها و احزاب سیاسی و نیز شعارهای انتخاباتی دارد؟ مقاله حاضر از نظر نوع هدف کاربردی و از نظر نوع روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی است. روش کتابخانه‌ای، عمدتاً به منظور مطالعه ادبیات موضوع و بررسی سابقه تحقیق و آشنایی با تجربیات صورت گرفته و شناخت مشارکت سیاسی و نیز شکاف‌های اجتماعی در داخل و خارج از ایران مورد استفاده قرار گرفت. داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه و به روش خوشه‌گیری چند مرحله‌ای جمع‌آوری شده‌اند. برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده می‌کنیم. حجم نمونه برابر با ۱۵۰ نفر تعیین شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که پایایی آن ۰/۸۸ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. نتایج این مقاله نشان می‌دهد که میان قوت هویت قومی و مذهبی جامعه مورد مطالعه، تعاملات آنان با سایر اقوام و مذاهب، احساس نابرابری اجتماعی کم‌تر یا بیشتر و نیز احساس مشروعیت نظام سیاسی قوی‌تر یا ضعیف‌تر و سطح و نوع مشارکت سیاسی در جامعه مورد مطالعه رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

واژگان کلیدی: شکاف‌های اجتماعی، مشارکت سیاسی، استان گلستان، قومیت، مذهب.

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی و به دنبال تلاش‌ها برای ایجاد یک حکومت تمام عیار شیعی، طبعاً نقش مذهب و تمایزات مذهبی چه در ساختار و روابط قدرت و چه در معیارهای توزیع منابع و ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی افزایش یافت. این موضوع زمینه تشدید شکاف‌های مذهبی و تبدیل آن‌ها به عرصه کشمکش‌های سیاسی را فراهم کرد. بزرگ‌ترین اقلیت مذهبی ایران یعنی مسلمان‌های اهل سنت که معمولاً در مناطق حاشیه‌ای می‌زیستند و به گروه‌های قومی - زبانی اقلیت تعلق داشتند، در سال‌های اولیه پس از انقلاب بیشترین ناسازگاری و کشمکش را با دولت مرکزی داشتند. البته این کشمکش‌ها آن‌چنان با شکاف‌ها و تنش‌های قومی - زبانی و منطقه‌ای و ایدئولوژیکی آمیخته بود که مشکل می‌توان سهم واقعی شکاف‌های مذهبی را در آن‌ها تعیین کرد؛ گر چه نقش تشدید کننده تمایزات و شکاف‌های مذهبی را در این تنش‌ها و درگیری‌ها نمی‌توان انکار کرد.

در مورد دیگر اقلیت‌های مذهبی نیز گر چه رویارویی آشکار و شدیدی بین آن‌ها با حکومت اسلامی روی نداده است، اما حاکمیت قوانین اسلامی خواه ناخواه با ایجاد یا تشدید محدودیت‌های متعددی برای این اقلیت‌ها همراه بوده است. محدودتر شدن مراسم و فعالیت‌های آشکار مذهبی، معاشرت اجتماعی، فرصت‌های اشتغال، تحصیلات و ... برای آن‌ها، این اقلیت‌ها را اصولاً به صورت گروه‌های ناراضی بالقوه در آورده است. گر چه ناراضی‌های این اقلیت‌ها کمتر به صورت جمعی و آشکار ظاهر شده، اما در مقاطعی که امکان مخالفت‌های سیاسی عمومی وجود داشته، بخش‌هایی از این اقلیت‌ها از طریق همکاری با گروه‌های سیاسی منتقد یا مخالف ناراضی‌های خود را بیان کرده‌اند. به علاوه، در موارد متعددی رهبران مذهبی این اقلیت‌ها از طریق نامه یا ملاقات حضوری با رهبران سیاسی و مذهبی جمهوری اسلامی در صدد تعدیل محدودیت‌های مزبور بر آمدند، اما از همه این‌ها مهم‌تر این که ناراضی‌های اقلیت‌های مذهبی در طی سال‌های پس از انقلاب در موارد زیادی از طریق عوامل خارجی بیان شده است. این عوامل خارجی در موارد متعددی دولت ایران را به فراهم کردن شرایط مناسب‌تر برای اقلیت‌های مذهبی توصیه کرده و در موارد زیادی نیز دولت ایران را به دلیل نحوه برخوردش با این اقلیت‌ها محکوم کرده‌اند.

در این دوره، برخی از گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و ایدئولوژیک غیر قومی که با دولت جدید مخالف بودند، به ویژه برخی گروه‌های چپ‌گرای مارکسیستی که خواهان سرنگونی حکومت جدید و تحقق آن چیزی بودند که خود آن را تکمیل انقلاب ناتمام می‌نامیدند و یا گروه‌های سیاسی جامعه بودند، فعالیت‌های خود را در این مناطق گسترش دادند و طرح دست‌یابی به سهم بیشتری در ساختار سیاسی جامعه بودند، فعالیت‌های خود را در این مناطق گسترش دادند و طرح خواست‌های قومی را محمل مناسبی برای فعالیت‌های خود دیدند. از سوی دیگر، برخی کشورهای خارجی که با توجه به شعارهای انقلابیون به ویژه بحث صدور انقلاب و نیز تهدیداتی که انقلاب برای منافع آن‌ها به دنبال داشت سر ناسازگاری با انقلاب ایران داشتند و با حکومت جدید اختلاف‌هایی پیدا کردند، تشدید کشمکش‌های سیاسی بین اقلیت‌های قومی با حکومت جدید را به سود خود می‌دیدند و در تلاش بودند از این کشمکش‌ها به عنوان اهرم فشار علیه جمهوری اسلامی استفاده کنند. از این رو، هنوز یک هفته از سقوط رژیم شاه نگذشته بود که کردستان به صحنه درگیری‌های خونین میان گروه‌های یاد شده و نیروهای وفادار به دولت مرکزی تبدیل گردید. این وضعیت به

درجات متفاوت در برخی دیگر از مناطق که محل سکونت اقلیت‌های قومی بود مانند ترکمن صحرا، خوزستان، بلوچستان و تا حدودی آذربایجان پدیدار شد.

کندوکاو در ادبیات موجود در مورد مشارکت سیاسی این نکته را روشن می‌سازد که با وجود راه‌های گوناگون مشارکت و مداخله در سیاست، پژوهش‌گران توجه خاصی به انتخابات و مشارکت انتخاباتی داشته‌اند. در پاسخ به این پرسش که چرا انتخابات کانون توجه پژوهش‌گران قرار گرفته است، می‌توان گفت که انتخابات در کنار دیگر ساز و کارهای مشارکت شهروندان به صورت انفرادی یا جمعی، گروهی و صنفی، همچنان به عنوان مهم‌ترین، بارزترین و قابل اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. همچنین، انتخابات از یک سو پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. انتخابات و فضای آن متشکل از اجزای زیر است: ۱- برگزارکنندگان (دولت، احزاب و گروه‌هایی که نامزدها به آنان وابسته‌اند) ۲- انتخاب‌شوندگان (نامزدهای انتخاباتی که احیاناً وابستگی خبری یا گروهی دارند و در کنار ویژگی‌های شخصی ممکن است سوابق مدیریتی و خدمتی نیز داشته باشند) ۳- انتخاب‌کنندگان (کسانی که برای واگذاری انتخابات در کنار دیگر سازوکارهای مشارکت شهروندان به صورت انفرادی یا جمعی، گروهی و صنفی، همچنان به عنوان مهم‌ترین، بارزترین و قابل اندازه‌گیری‌ترین نوع مشارکت افراد در عرصه سیاسی است. همچنین، انتخابات از یک سو پایه‌های اجتماعی قدرت سیاسی را نشان می‌دهد و از سوی دیگر ملاک خوبی برای ارزیابی توزیع قدرت در جامعه است. بررسی انتخابات و مشارکت انتخاباتی به خوبی چگونگی رابطه متقابل جامعه و دولت را به نمایش می‌گذارد و بنابراین از مهم‌ترین و جذاب‌ترین مباحث جامعه‌شناسی سیاسی است. قدرت و انتقال آن به نامزدهای انتخاباتی وارد عرصه انتخابات می‌شوند. اینان واجدان شرایط رأی دادن هستند که ممکن است وابستگی حزبی یا گرایشی نسبت به احزاب و گروه‌ها یا نامزدها داشته باشند و بر پایه این گرایش و میزان اطلاعاتی که از موضوع‌های سیاسی دارند، دست به انتخاب می‌زنند). ۴- نظام‌های انتخاباتی (متشکل از قوانینی که هر کشور برای برگزاری انتخابات وضع کرده و می‌تواند شامل سنّ واجدان حق رأی دادن یا نحوه گزینش نامزدها برای ورود به عرصه انتخابات باشد). ۵- فضای حاکم بر جامعه (موضوع‌های سیاسی و فضای فرهنگی- اجتماعی حاکم در زمان انتخابات) (کاوینی راد، ۱۳۸۶: ۵۰۶).

در ایران نیز همزمان با تشکیل دولت- ملت، اقوام در نقش اجتماعی هویتی در مناسبات سیاسی به نقش آفرینی پرداختند که شرکت در انتخابات از بارزترین آن‌هاست. علل و دلایل شرکت اقوام در انتخابات و سمت و سوی انتخاب جریان‌های مختلف سیاسی، از اولویت‌های پژوهشی در این زمینه است. ایران از دیرباز یکی از کانون‌های اصلی سکونت، تمدن‌سازی و نابودی اقوام گوناگون بوده است. تنوع آب‌وهوایی در چارچوب سرزمین ایران و حتی گاه در منطقه‌ای خاص، وجود پستی و بلندی‌ها و همچنین فواصل جغرافیایی زیاد بین سکونتگاه‌ها و نبود راه‌های ارتباطی هموار و در دسترس برای ساکنان مناطق مختلف ایران، از جمله عوامل طبیعی هستند که در شکل‌گیری ساختار پیچیده اجتماعی آن نقش بسزایی داشته‌اند (حیدری، ۱۳۸۴: ۱۶۲).

از ایران همواره با عنوان جامعه‌ای با گوناگونی و شکاف‌های اجتماعی بسیار با ساختار موزاییک گونه یاد شده است. تنوع آب‌وهوایی، پراکندگی جغرافیایی و درهم پیچیدگی اقلیمی (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۱۳۵۷)

گوناگونی قومی و زبانی و فرهنگی ناشی از آن (راوندی، ۱۳۵۷؛ شیخاوندی، ۱۳۸۰)، زندگی عشایری مبتنی بر ایل و طایفه مسدود (آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ احمدی، ۱۳۷۸؛ فوران، ۱۳۷۷)، گوناگونی مذهب و دین (رومینا، ۱۳۸۴؛ آبراهامیان، ۱۳۷۷؛ زیباکلام، ۱۳۷۸)، تفاوت‌های طبقاتی و اقتصادی (فوران، ۱۳۷۷؛ الطائی، ۱۳۷۸) از عوامل تنوع و تکثر قومی و فرهنگی ایران به شمار می‌روند (خلیلی، ۱۳۹۴: ۸۸).

در طول یک دهه گذشته، این چهار شکاف اجتماعی دارای اهمیت زیادی در ایران بوده‌اند.

- شکاف نسلی. با توجه به جوانی جمعیت در ایران

- شکاف جنسیتی: با توجه به افزایش سطح آگاهی‌ها و حضور رو به رشد زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی کشور

- شکاف قومی: ایران واجد شش هویت عمده قومی فارس، ترک، کرد، لر، بلوچ و عرب است. هر چند برخی هویت‌های قومی کوچک‌تری چون قشقایی، ترکمن، بختیاری را نیز برشمرده‌اند.

- شکاف مذهبی: با توجه به وجود اهل سنت در کشور

ترکمن‌ها در قلمروهای متعددی پراکنده‌اند. آن‌ها غیر از کشور ترکمنستان که زیستگاه اصلی‌شان به شمار می‌آید، در کشورهای ایران، چین، افغانستان، ترکیه و عراق ساکن‌اند. ترکمن‌های ایران در استان گلستان، در سرزمینی واقع بین دو رود اترک و قره‌سو و در استان خراسان شمالی، در بخش‌های قوچان، بجنورد و سرخس زندگی می‌کنند. قلمرو فضایی قوم ترکمن از این منطقه واقع در شرق دریای مازندران آغاز می‌شود و به سمت آسیای مرکزی گسترش و امتداد پیدا می‌کند. اکثر ترکمن‌های ایران در استان گلستان، یعنی شهرهای گنبد، بندر ترکمن و مراوه‌تپه ساکن‌اند. ترکمن‌ها مسلمان اهل سنت و حنفی مذهب‌اند. موضوعی که در این مورد بسیار حائز اهمیت است و دغدغه این مقاله نیز به شمار می‌رود تأثیر شکاف‌های قومیت و مذهب بر مشارکت سیاسی در استان گلستان است. با توجه به این مقدمه هدف این مقاله تبیین و تحلیل تأثیر شکاف‌های قومیت و مذهب بر مشارکت سیاسی در استان گلستان است. سؤال اصلی مقاله این است که قومیت و مذهب به عنوان دو شکاف مهم و برجسته در کل ایران و به ویژه استان گلستان چه تأثیری بر سطح مشارکت سیاسی در این استان و نیز جهت‌گیری‌های آن به سمت جناح‌ها و احزاب سیاسی و نیز شعارهای انتخاباتی دارد؟

چارچوب نظری

از دیدگاه میلبراث^۱ و گوئل^۲ چهار عامل بر مشارکت تأثیر می‌گذارند که عبارت‌اند از: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. به نظر آن‌ها هر چه فرد بیشتر در معرض انگیزه‌های سیاسی به صورت بحث درباره سیاست، تعلق به سازمانی که به شکلی به فعالیت سیاسی می‌پردازند یا دسترسی- داشتن به اطلاعات سیاسی مربوط، قرار داشته باشد احتمال مشارکت سیاسی وی بیشتر است؛ اما مشارکت سیاسی بر طبق ویژگی‌های شخصی فرد نیز تغییر می‌یابد. شخصیت‌های اجتماعی‌تر، مسلط‌تر و برون‌گراتر احتمالاً از نظر سیاسی فعال‌ترند. موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود، در مشارکت سیاسی تأثیرگذار

^۱. Lester Milbrath

^۲. M. L. Goel

است. محیط یا زمینه سیاسی نیز مهم است. از این نظر که فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل یا شکل‌های مشارکت را که مناسب تلقی می‌گردد تشویق کند یا به عکس، مشوق مشارکت نباشد (ابراهیمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۸۲).

رابطه دال یکی دیگر از نظریه‌پردازانی است که تلاش کرد تا پدیده گرایش و عدم گرایش افراد به مشارکت سیاسی را تبیین کند. در این خصوص، وی معتقد است: اگر میزان اثربخشی سیاسی بالا باشد، میزان مشارکت سیاسی نیز افزایش می‌یابد و اگر میزان اثربخشی سیاسی پایین باشد، بی‌تفاوتی را به ارمغان می‌آورد. به نظر وی، وقتی افراد تصور کنند آنچه انجام می‌دهند اثر قابل توجهی بر نتایج سیاسی خواهد گذاشت، بیشتر در امور سیاسی درگیر می‌شوند و بعکس. دال معتقد است که کسی نمی‌تواند تأثیر عقاید و عمل سیاسی خود را بر دیگران انکار نماید. به نظر او، در سیاست) برخلاف علوم طبیعی (بین نظر علمی و عقاید، یعنی معرفت سیاسی و عقیده سیاسی فاصله‌ای نیست. بنابراین، برای دال این نکته آشکار است که عقاید سیاسی همانند نیاز به امنیت و تهدید امنیت، در عمل سیاسی فرد اثر می‌گذارند و ساختار و کارکرد نهادها و نظام‌های سیاسی را متأثر می‌سازند. گزاره‌های اصلی نظریه رابرت دال درباره مشارکت سیاسی عبارت است از:

۱- مردم به دلیل اینکه فکر می‌کنند مشارکت یا عدم مشارکت آن‌ها تأثیری در نتیجه کار دارد، بی‌تفاوت نیستند. ۲- مردم با اعتقاد به اینکه نتیجه مشارکت آن‌ها احتمالاً تهدید باشد، بر ایشان قابل قبول نیست و مشارکت می‌کنند. ۳- مردم به دلیل آگاهی از جریان سیاسی، مشارکت خود را اثربخش تلقی می‌کنند (دال، ۱۳۷۴: ۹۴-۹۵). وی همچنین معتقد است که هر چه فعالیت‌های سیاسی پردردسرت‌تر، وقت‌گیرتر و پرخرج‌تر یا دشوارتر باشد، به همان نسبت افراد کمتر به آن‌ها جلب می‌گردند. بنابراین حضور افراد در فرایند گزینش نخبگان سیاسی از طریق شرکت در انتخابات بیشتر از دیگر سطوح مشارکت سیاسی خواهد بود و عدم حضورشان نیز در این سطح ابتدایی نمایان است (مسعودنیا، ۱۳۸۰: ۱۶۵).

رابطه دوز و سیمور مارتین لیپست نیز در تجزیه و تحلیل خود درباره رفتار سیاسی مردم کشورهای آمریکا، کانادا، بریتانیا و استرالیا^۱ بر روی متغیرهایی تأکید می‌ورزند که به اعتقادشان بر مشارکت سیاسی تأثیر مهمی دارند. مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از: باورهای مذهبی، جنسیت، سن، نوع شغل، نژاد، روستایی یا شهری بودن افراد، طبقه اجتماعی و پیوندهای منطقه‌ای. از نظر آن دو در کشورهای فوق به غیر از آمریکا) عوامل جنسیت و سن از جمله متغیرهای مهم و مؤثر بر مشارکت سیاسی است. به عنوان مثال آن‌ها معتقدند که زنان بیشتر از مردان نسبت به مسائل سیاسی و مشارکت در آن‌ها علاقه نشان می‌دهند. همچنین افراد شهرنشین در مقایسه با افراد روستانشین علاقه و رغبت زیادی نسبت به مسائل سیاسی دارند. از نظر این دو محقق شدت تأثیرگذاری عوامل مذکور در همه کشورها به یک اندازه نبوده و نمی‌توان به یک الگوی ثابتی در رفتار مشارکتی شهروندان دست یافت. به عنوان نمونه میان موقعیت اجتماعی افراد جامعه و پنداشته‌ای سیاسی و گرایش‌های عقیدتی و حزبی آن‌ها رابطه‌ی ثابتی وجود ندارد؛ مثلاً ممکن است، افرادی که وضعیت اقتصادی مطلوبی ندارند در همه‌ی فعالیت‌های سیاسی خود بیشتر به نفع احزاب و گروه‌های محافظه‌کار و افراد سرمایه‌دار رأی دهند. یا بر عکس، بسیاری افرادی که وضع اقتصادی بهتری

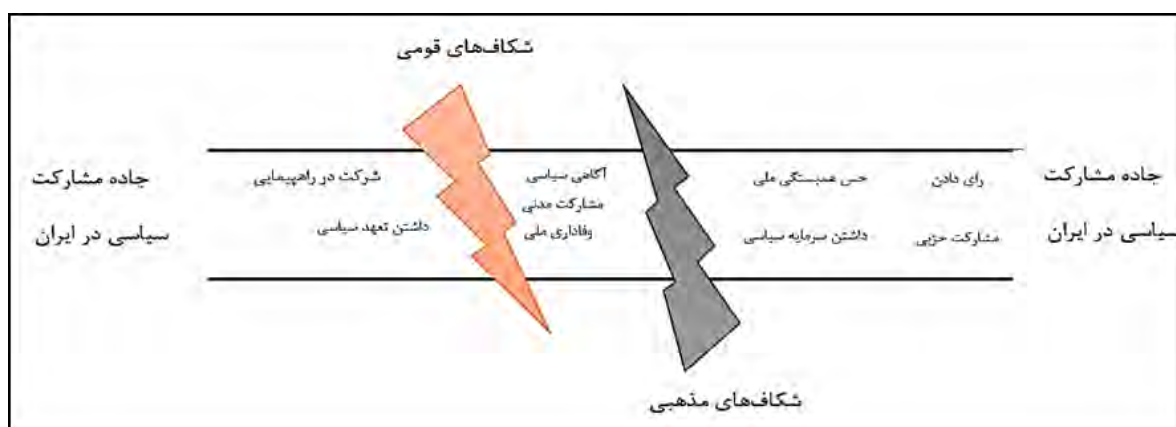
^۱. America, Canada, United Kingdom and Australia

دارند اما ترجیح می‌دهند به کمونیست‌ها و سوسیالیست‌ها رأی دهند (نوربخش و محمد نژاد، ۱۳۸۶: ۱۶۷ - ۱۶۸). به نظر آندرین و اپتر که به جنبه رأی دادن در مشارکت سیاسی توجه ویژه‌ای دارند، گاهی بی‌تفاوتی سیاسی منجر به رأی اعتراضی می‌گردد. بدین صورت که رأی دهندگان از طریق رأی دادن به احزاب یا نمایندگان مخالف، اعتراض خود را به احزاب حاکم نشان می‌دهند. گرچه به اعتقاد آن‌ها عواملی چون تورم، درآمد اشخاص و بیکاری بر بی‌تفاوتی و رأی‌دهی مؤثر است ولی تأکید خاصی بر وسایل ارتباط جمعی به عنوان یکی از دلایل عمده بی‌تفاوتی سیاسی دارند و معتقدند که این وسایل به دلیل عدم اطلاع - رسانی دقیق به رأی‌دهندگان درباره مواضع نامزدها در قبال مسائل خاص، باعث افزایش بی‌تفاوتی می‌گردند (مذهب دار قشقای، ۱۳۸۲: ۱۵).

نظریه مطرح شده از سوی آنتونی داونز درباره مشارکت سیاسی نیز محدود به رفتار رأی دادن است. از نظر وی شهروندان، کنشگرانی عقلانی و محاسبه‌گرند که همواره تلاش می‌کنند تا هزینه‌ها را به حداقل و منافع را به حداکثر برسانند. از سویی دیگر، احزاب نیز برای به حداکثر رساندن رأی خود تلاش می‌کنند از نظر وی عواملی چون بزرگ بودن حوزه انتخابیه، انتخابات فراوان و ورقه‌های رأی که در آن رأی دهنده باید تعداد بسیاری از کاندیداها را انتخاب کند، میزان مشارکت در انتخابات را کاهش می‌دهد. تبیین داونز این است که افراد در چنین شرایطی درک منافع واقعی خود را دشوارتر می‌یابند. چون پیش‌بینی نتیجه دشوارتر است. در انتخاباتی که مبارزات در آن شدید است، همچنین در انتخابات مهم و در انتخاباتی که در آن مسائل به روشنی تعریف شده‌اند معمولاً تعداد شرکت‌کنندگان بیشتر است. چون از آنجا که انتخابات مهم در منافع افراد تأثیر می‌گذارد، افراد بیشتر احتمال دارد بتوانند در نتیجه انتخاباتی که در آن مبارزات شدید است تأثیر بگذارند و مسائلی که به روشنی تعریف شده‌اند به افراد این امکان را می‌دهند تا منافعشان را آسان‌تر درک کنند (عبدالله، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

پوتنام نیز در قالب بحث سرمایه اجتماعی به نظریه‌پردازی در باب اعتماد می‌پردازد. وی بیشتر به بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی در سطح ملی علاقه‌مند می‌باشد و بر نحوه تأثیرگذاری سرمایه اجتماعی بر رژیم‌های سیاسی و نهادهای دموکراتیک مختلف تأکید دارد. وی با مطالعه دموکراسی در ایتالیا دریافت که برخی مناطق دارای سازمان‌های مدنی بسیار فعال هستند و شهروندان این مناطق در مسائل عمومی مشارکت زیادی دارند. آن‌ها اطمینان دارند که دیگران عادلانه عمل می‌کنند و از قوانین پیروی می‌کنند. رهبران این جوامع نسبتاً صادق هستند و به برابری پایبندند. شبکه‌های اجتماعی و سیاسی نیز به صورت افقی سازماندهی شده‌اند نه سلسله‌مراتبی. این جوامع مدنی همبستگی، مشارکت مدنی و درستکاری را ارزشمند می‌شمارند. در این مناطق دموکراسی حکم فرماست؛ اما در مناطق دیگر مفهوم شهروندی از رشد بازمانده‌است. میزان مشارکت در انجمن‌های اجتماعی و فرهنگی بسیار ناچیز است. از دیدگاه ساکنان، مسائل عمومی به دیگران یعنی به رؤسا و سیاستمداران ارتباط دارد نه به آن‌ها. تقریباً همه بر این باورند که قوانین برای نقض کردن نوشته شده‌اند ولی از ترس بی‌قانونی دیگران، همه خواستار انضباط شدیدتر هستند. همه در این دوره‌های باطل به هم پیوسته گرفتار آمده‌اند و با احساس ضعف، استثمار و ناخشنودی دست به گریبان‌اند. تحت این شرایط حکومت مبتنی بر نمایندگی این مناطق ناکارآمدتر از مناطق و جوامعی است که در آن مدنیت بیشتر است. به بیانی دیگر، به اعتقاد پاتنام تفاوت در سرمایه اجتماعی (اعتماد) علت اصلی ایجاد تفاوت بین مناطق مختلف در زمینه اجتماع مدنی است؛ یعنی مناطقی که میزان اعتماد آن بالاتر است، سطح مشارکت در آن

منطقه نیز بیشتر خواهد بود. لازم به ذکر است که اساس و بنیان این تحقیق بر پایه نظریه پوتنام درباره تأثیر اعتماد بر مشارکت و همکاری قرار دارد (تاجبخش، ۱۳۸۳: ۲۵۴).

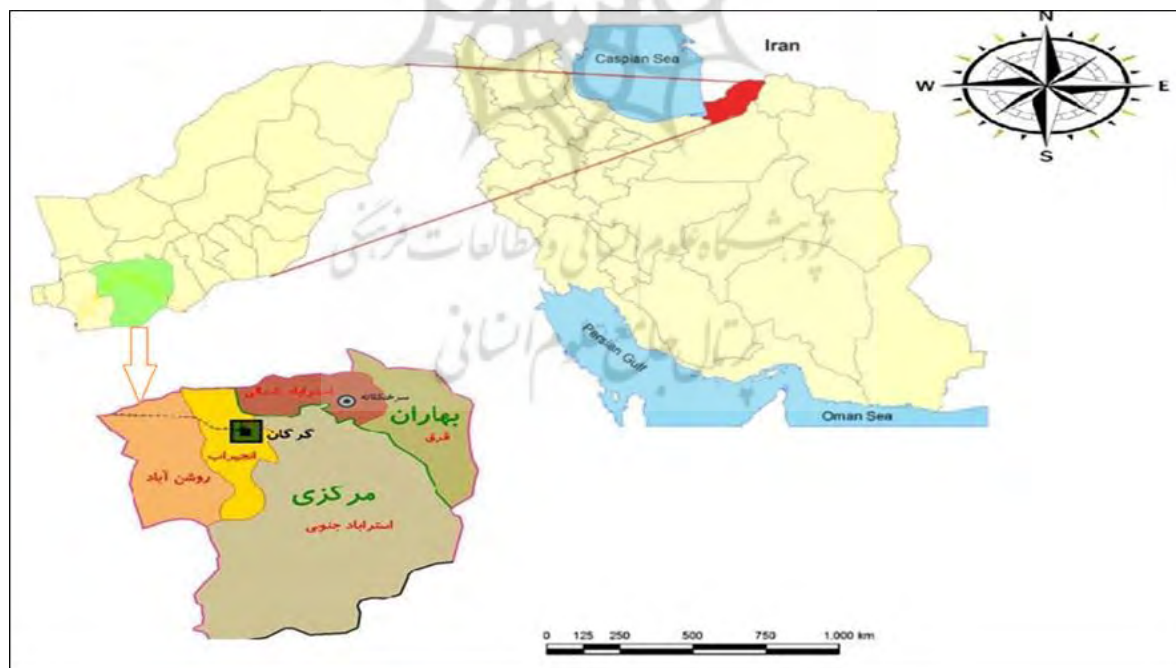


شکل شماره ۱- مدل تحلیل

منبع: یافته‌های پژوهش

محیط پژوهش

استان گلستان از نظر جغرافیایی بین ۵۳ درجه و ۵۷ دقیقه تا ۵۶ درجه و ۲۲ دقیقه طول شرقی و ۳۶ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۳۸ درجه و ۸ دقیقه عرض شمالی در محدوده منطقه معتدله شمالی در شمال کشور واقع است. این استان از شمال به کشور ترکمنستان، از شرق به استان خراسان و از غرب به دریای خزر و استان مازندران و از جنوب به استان سمنان محدود است (هویان، ۱۳۷۸: ۴۰).

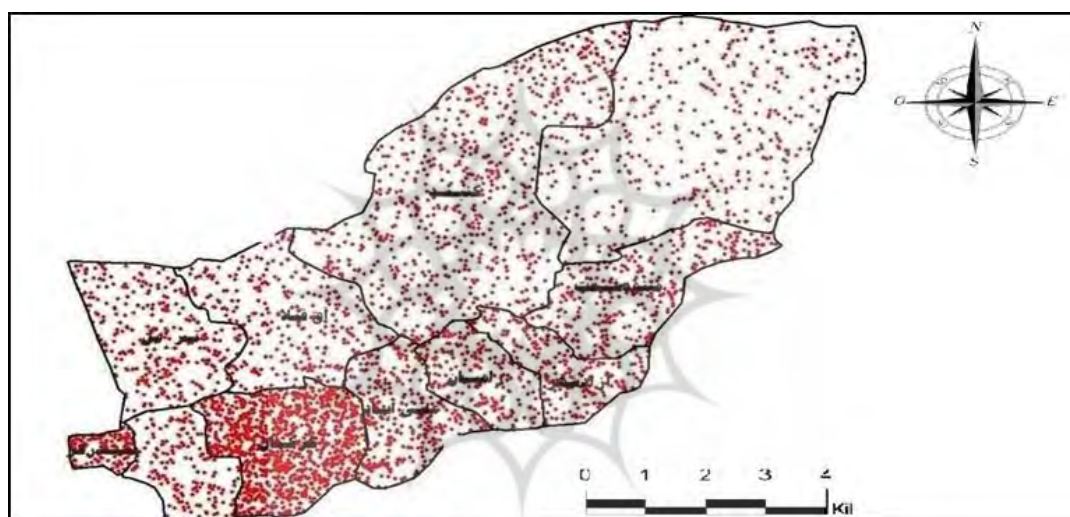


نقشه شماره ۱- موقعیت استان گلستان و مرکز آن شهر گرگان

منبع: (<https://www.semanticscholar.org>)

مساحت استان گلستان بالغ بر ۲۰۴۳۷۷ کیلومترمربع ۱۳ درصد از کل مساحت کشور بوده و از این نظر در بین سایر استان‌ها در رتبه نوزدهم قرار دارد. از نظر تقسیمات کشوری استان گلستان مشتمل بر ۱۱ شهرستان ۲۱ شهر ۲۱

بخش ۵۰ دهستان و ۱۰۶۹ آبادی اعم از مسکونی و غیر مسکونی است (تغییرات تقسیمات استان گلستان، ۱۳۸۶: ۱۴ - ۱۴). شهرستان گرگان مرکز استان گلستان با وسعت ۸۱۱۶۱۵ کیلومتر مربع و جمعیتی بالغ بر ۴۱۸۷۷۵ نفر است. شهر گرگان در بخش جنوبی استان گلستان واقع شده است این شهرستان از شمال به شهرستان‌های آق قلا و ترکمن و از جنوب به استان سمنان و از شرق به شهرستان علی آباد و از غرب به شهرستان کردکوی محدود می‌شود. وسعت شهرستان گرگان ۱۶۱۵/۲ کیلومتر مربع (۷/۹۱ درصد از مساحت استان) می‌باشد و بر اساس تقسیمات کشوری سال ۸۹ از دو بخش مرکزی و بهاران و سه شهر گرگان، سرخنگلاته، جلین و قرق، پنج دهستان و ۹۸ روستا تشکیل شده است. جمعیت شهرستان گرگان ۴۸۰۵۴۱ نفر است که نسبت به جمعیت استان حدود ۳۵ درصد را به خود اختصاص داده است. تراکم نسبی جمعیت در شهرستان گرگان به ازای هر کیلومتر مربع ۲۵۹ نفر می‌باشد که نسبت به استان که ۸۳ نفر می‌باشد بیش از ۳ برابر تراکم نسبی جمعیت را دارا می‌باشد (دیلم کتولی و دیلم کتولی، ۱۳۹۵: ۱۷۲).



نقشه شماره ۲- تراکم جمعیت در استان گلستان

منبع: (<https://www.mehrnews.com>)

جمعیت استان گلستان بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، یک میلیون و ۸۶۸ هزار و ۸۱۹ نفر است که از این تعداد ۹۹۵ هزار و ۶۱۵ نفر شهرنشین و ۸۷۱ هزار و ۵۴۶ نفر روستایی و یک هزار و ۶۵۸ نفر غیر ساکن می‌باشند. بیشترین تراکم جمعیت در گرگان با ۲۹۷۴ نفر و کمترین آن در مراوه تپه با ۱۹ نفر در هر کیلومتر است. اقوام متعددی در این استان زندگی می‌کنند که شامل ترکمن‌ها، فارسی زبانان، سیستانی‌ها، بلوچ‌ها، ترک‌ها (آذربایجانی و قزلباش)، مازندرانی و قزاق‌ها می‌شوند. فارس‌ها به دو دسته بومی و مهاجر تقسیم می‌شوند. فارس‌های بومی بیشتر به گویش‌های گرگانی، کتولی و مازندرانی تکلم می‌کنند. مهاجرین به استان هم بیشتر سیستانی، بلوچ، سمنانی و خراسانی هستند. فارسی زبان‌ها بیشتر در مرکز و جنوب استان و مازندرانی‌ها در روستاهای نیمه غربی استان سکونت دارند. آذری‌ها در شهرستان گنبد کاووس و قزاق‌های استان گلستان نیز بیشتر در گرگان سکونت دارند. ترکمن‌ها در بخش شرقی، مرکزی و شمالی استان و همچنین در مرکز استان سکونت دارند، سنی مذهب هستند و به زبان ترکمنی تکلم می‌کنند.



نقشه شماره ۳- تقسیمات شهرستان گرگان منبع: (golestan.ir)

جدول شماره ۱- تقسیمات سیاسی شهرستان گرگان

| شهرستان | بخش | مرکز بخش | دهستان | مرکز دهستان | شهر |
|---------|----------|----------|----------------|-------------|-------------|
| گرگان | مرکزی | گرگان | استرآباد | جلین علیا | گرگان جلین |
| | | | روشن آباد | لمسک | |
| | | | انجیر آب | زنگیان | |
| بهاران | سرخندکلا | سرخندکلا | استرآباد شمالی | سرخندکلا ته | سرخندکلا ته |
| | ته | ته | قرق | نوده ملک | |

منبع: (<http://www.chap.sch.ir>)

به طور کلی استان گلستان در بیشتر قسمت‌ها دارای آب و هوای معتدل مدیترانه‌ای است ولی قسمت‌های جلگه‌ای و اراضی پست گرگان به لحاظ مجاورت با صحرای ترکمنستان، دوری از دریا و کاهش ارتفاعات، آب‌وهوای نیمه بیابانی و گرم دارد. با توجه به نحوه قرار گرفتن رشته کوه‌های البرز و جلگه‌های سواحل جنوبی و شرقی دریای خزر و نیز با توجه به تأثیر عرض و ارتفاع جغرافیایی، دوری و نزدیکی به دریا، وجود بیابان‌های جنوبی ترکمنستان، وزش بادهای محلی و پوشش متراکم جنگلی، استان گلستان از نظر اقلیمی به سه بخش آب‌وهوای معتدل گرم و بارانی با زمستانی ملایم در حد فاصل بین قره سو و کوهستان، آب‌وهوای صحرایی گرم در ناحیه اترک و گرگان رود و آب‌وهوای بیابانی گرم و خشک با بارندگی کم در ناحیه کوچکی از شمال منطقه گرگان تقسیم می‌شود (گل پرنیان، ۱۳۸۹: ۱۳).

جدول شماره ۲- مشخصات کلی استان گلستان

| شاخص | مقدار |
|-------------------------------|-------|
| مساحت استان (کیلومتر مربع) | ۲۰۴۳۸ |
| نسبت مساحت استان به کشور | ۱/۳ |
| رتبه مساحت استان نسبت به کشور | ۲۱ |
| تعداد شهرستان | ۱۴ |
| تعداد شهر | ۳۳ |
| تعداد بخش | ۲۷ |
| تعداد دهستان | ۶۰ |
| آبادی | ۱۰۴۹ |

منبع: (<http://golestanp.ir>)

روش‌شناسی

مقاله حاضر از نظر نوع هدف کاربردی و از نظر نوع روش تحقیق توصیفی-پیمایشی و از نوع همبستگی است. روش کتابخانه‌ای، عمدتاً به منظور مطالعه ادبیات موضوع و بررسی سابقه تحقیق و آشنایی با تجربیات صورت گرفته و شناخت مشارکت سیاسی و نیز شکاف‌های اجتماعی در داخل و خارج از ایران مورد استفاده قرار گرفت. داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه و به روش خوشه‌گیری چند مرحله‌ای جمع‌آوری شده‌اند. برای برآورد حجم نمونه از جدول مورگان استفاده می‌کنیم. حجم نمونه برابر با ۱۵۰ نفر تعیین شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بود که پایایی آن ۰/۸۸ بود. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است.

یافته‌ها

الف- یافته‌های توصیفی

جدول شماره ۳- توزیع پاسخگویان برحسب محل سکونت (تعداد، درصد)

| محل سکونت | تعداد | درصد |
|-----------|-------|------|
| روستا | ۵۰ | ۳۳/۴ |
| شهر | ۱۰۰ | ۶۶/۶ |
| جمع | ۱۵۰ | ۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان با ۶۶/۶ درصد به مناطق شهری و ۳۳/۴ درصد آن‌ها به مناطق روستایی تعلق داشتند.

جدول شماره ۴- توزیع زنان مورد بررسی برحسب سن (تعداد، درصد)

| سن | تعداد | درصد |
|-----------------|-------|------|
| ۱۵-۲۵ سال | ۴۱ | ۲۷/۳ |
| ۲۵-۳۵ سال | ۶۳ | ۴۲ |
| ۳۵ سال و بالاتر | ۴۶ | ۳۰/۶ |
| کل | ۱۵۰ | ۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد، ۲۷/۳ درصد پاسخگویان مورد بررسی دارای سن ۱۵-۲۵ سال، ۴۲ درصد سن ۲۵-۳۵ و ۳۰/۶ درصد دارای سن ۳۵ سال و بالاتر بودند.



نمودار شماره ۱- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب سن (تعداد، درصد) منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۵- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب میزان تحصیلات (تعداد، درصد)

| سطح تحصیلات | تعداد | درصد |
|------------------------|-------|------|
| دیپلم | ۲۶ | ۳۰/۶ |
| لیسانس | ۵۰ | ۳۳/۳ |
| فوق لیسانس | ۳۰ | ۲۰ |
| دکترای و دانشجوی دکتری | ۲۴ | ۱۶ |
| کل | ۱۵۰ | ۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

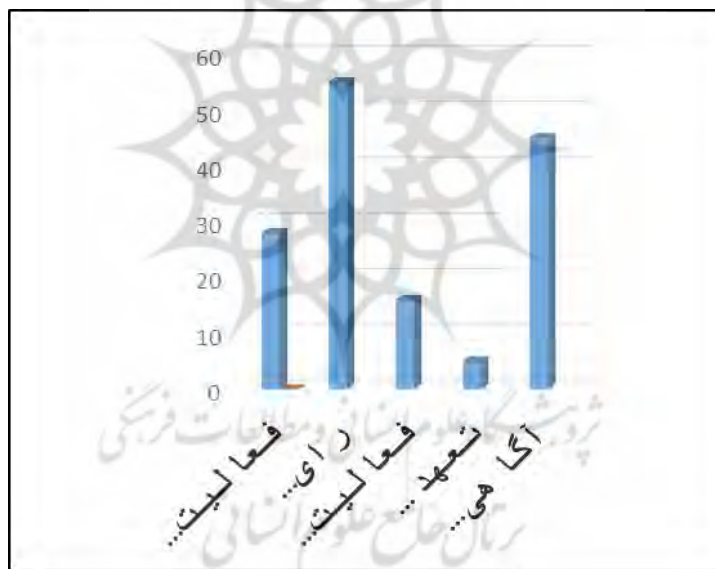
داده‌های جدول نشان می‌دهد، ۳۰/۶ درصد پاسخگویان دارای دیپلم و ۳۳/۳ درصد دارای مدرک لیسانس و ۲۰ درصد دارای مدرک فوق لیسانس و ۱۶ درصد دارای مدرک دکتری یا دانشجوی دکتری بودند.

جدول شماره ۶- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب نوع مشارکت سیاسی

| نوع مشارکت سیاسی | فعالیت حزبی | رای دادن | فعالیت‌های مدنی | تعهد سیاسی | آگاهی سیاسی | کل |
|------------------|-------------|----------|-----------------|------------|-------------|------|
| فراوانی | ۲۸ | ۵۵ | ۱۶ | ۵ | ۴۵ | ۱۵۰ |
| | ٪۲۹/۳ | ٪۳۶/۶ | ٪۱۰/۶ | ٪۳/۳ | ٪۳۰ | ٪۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان مورد بررسی با ۳۶/۶ درصد به شکل شرکت در انتخابات مشارکت سیاسی داشته‌اند.



نمودار شماره ۲- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب نوع مشارکت سیاسی

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۷- توزیع پاسخگویان مورد بررسی برحسب انگیزه مشارکت سیاسی (تعداد، درصد)

| انگیزه مشارکت سیاسی | تعداد | درصد |
|------------------------------------|-------|------|
| مطالبات قومی | ۸۵ | ۵۶/۶ |
| مطالبات مذهبی | ۲۵ | ۳۰ |
| هم مطالبات قومی و هم مطالبات مذهبی | ۲۰ | ۱۳/۳ |
| جمع | ۱۵۰ | ۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان مورد بررسی برحسب انگیزه مشارکت سیاسی انگیزه خود را به ترتیب مطالبات قومی، مطالبات مذهبی و هم مطالبات قومی و هم مطالبات مذهبی بیان نمودند.

جدول شماره ۸- توزیع پاسخگویان برحسب بیان معیار رضایت از مشارکت سیاسی (تعداد، درصد)

| علت | تعداد | درصد |
|----------------------------------|-------|------|
| انتخابات | ۲۰ | ۱۳/۳ |
| احزاب بومی و ملی | ۲۰ | ۱۳/۳ |
| راهپیمایی‌ها و تجمعات ملی و محلی | ۲۰ | ۱۳/۳ |
| کانال‌های مشارکت مدنی | ۲۵ | ۱۶/۶ |
| همبستگی ملی | ۲۵ | ۱۶/۶ |
| وفاداری ملی | ۲۰ | ۱۳/۳ |
| داشتن سرمایه سیاسی | ۲۰ | ۱۳/۳ |
| کل | ۱۵۰ | ۱۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

داده‌های جدول نشان می‌دهد بیشترین تعداد پاسخگویان مورد بررسی با درصدهای ۱۶/۶، ۱۳/۳ درصد معیار رضایت از رضایت از مشارکت سیاسی را به ترتیب راهپیمایی‌ها و تجمعات ملی و محلی، کانال‌های مشارکت مدنی، همبستگی ملی، وفاداری ملی و داشتن سرمایه سیاسی دانستند.

ب- یافته‌های تحلیلی

برای بررسی فرضیه اصلی مطرح شده در این تحقیق، آزمون فرضیه‌ای به شکل زیر مطرح گردیده است:

قومیت و مذهب بر سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان تأثیر مثبت و معناداری ندارد. فرض H_0

قومیت و مذهب بر سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان تأثیر مثبت و معناداری دارد. فرض H_1

برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از آزمون دو جمله‌ای بهره گرفته شده است که در آن مشارکت سیاسی با توجه به متغیرهای هفت گانه و هشت شاخص مطرح شده در پرسشنامه، در پنج سطح بسیار کم (با امتیاز ۱)، کم (با امتیاز ۲)، متوسط (با امتیاز ۳)، زیاد (با امتیاز ۴) و خیلی زیاد (با امتیاز ۵) مورد سؤال قرار گرفته شده است. نتایج به دست آمده در مقایسه با امتیاز ۳ (سطح متوسط) به دست آمده است که نتایج حاصل از این آزمون در جدول ذیل آمده است:

جدول شماره ۹- نتایج حاصل از آزمون دو جمله‌ای مربوط به تأثیر قومیت و مذهب بر سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان

| شاخص | گروه‌بندی | تعداد | نسبت مشاهده شده | نسبت آزمون | عدد معنی‌داری |
|--------------|--------------|-------|-----------------|------------|---------------|
| مشارکت سیاسی | گروه $3 > 1$ | ۱۳۰ | ۰/۵۴ | ۰/۵۰ | ۰/۰۰۰۴ |
| | گروه $3 < 2$ | ۱۰۹ | ۰/۴۶ | | |

منبع: یافته‌های پژوهش

و با توجه به نتایج حاصل از آزمون آماری صورت گرفته و با توجه به آنکه عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر با ۰/۰۰۰۴ بوده و از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر می‌باشد، لذا فرضیه H_0 مبنی بر این که قومیت و مذهب بر سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان تأثیر ندارند در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت که قومیت و مذهب بر سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان تأثیر دارد. آزمون فرضیه فرعی اول:

- هرچه میزان هویت قومی و مذهبی افراد بالاتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان برجسته‌تر می‌شود.

آزمون آماری فرضیه فرعی اول به شرح زیر است:

هرچه میزان هویت قومی و مذهبی افراد بالاتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان برجسته‌تر نمی‌شود. فرض H_0

هرچه میزان هویت قومی و مذهبی افراد بالاتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان برجسته‌تر می‌شود. فرض H_1 نتایج حاصل از آزمون تک نمونه‌ای فرضیه فرعی اول در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۰- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به رابطه هویت قومی و مذهبی با الگوی رأی‌دهی قومی

| شاخص | آماره t | درجه آزادی | عدد معنی‌داری |
|---|---------|------------|---------------|
| رابطه هویت قومی و مذهبی با الگوی رأی‌دهی قومی | ۱۲/۱۰۴ | ۲۳۸ | ۰/۰۰۰۷ |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به خروجی SPSS، شماره t، محاسبه شده برابر با (۱۲/۱۰۴) می‌باشد. مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۷ بوده است که از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که هویت قومی و مذهبی بر الگوی رأی‌دهی قومی تأثیرگذار می‌باشد.

آزمون فرضیه فرعی دوم:

هرچه میزان تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان کاهش می‌یابد. آزمون آماری فرضیه فرعی دوم به شرح زیر است:

هرچه میزان تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان کاهش نمی‌یابد... فرض H_0

هرچه میزان تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان کاهش می‌یابد. فرض H_1 نتایج حاصل از آزمون، تک نمونه‌ای در مورد شاخص تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۱- شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب

| شاخص | تعداد پاسخ دهندگان | میانگین امتیازات | انحراف معیار |
|-------------------------------------|--------------------|------------------|--------------|
| تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب | ۱۵۰ | ۳/۵۳ | ۰/۷۱ |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۲- آماره آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به شاخص تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب

| شاخص | آماره t | درجه آزادی | عدد معنی‌داری |
|-------------------------------------|---------|------------|---------------|
| تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب | ۱۱/۴۹ | ۲۳۸ | ۰/۰۰۰۵ |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل آماری صورت گرفته، آماره t محاسبه شده برابر با (۱۱/۴۹) است. مقدار عدد معنی‌داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۵ بوده است که از سطح معنی‌داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که هر چه میزان تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی آنان کاهش می‌یابد.

آزمون فرضیه فرعی سوم:

هرچه میزان احساس نابرابری اجتماعی افراد بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان برجسته‌تر می‌شود. آزمون آماری فرضیه فرعی سوم به شرح زیر است:

هرچه میزان احساس نابرابری اجتماعی افراد بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان برجسته‌تر نمی‌شود.

H_0

هرچه میزان احساس نابرابری اجتماعی افراد بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان برجسته‌تر می‌شود.

H_1

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای در مورد شاخص احساس نابرابری اجتماعی در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۳- شاخص احساس نابرابری اجتماعی

| شاخص | تعداد پاسخ دهندگان | میانگین امتیازات | انحراف معیار |
|------------------------|--------------------|------------------|--------------|
| احساس نابرابری اجتماعی | ۱۵۰ | ۳/۵۵ | ۰/۷۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۴- آماره آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به شاخص احساس نابرابری اجتماعی

| شاخص | آماره t | درجه آزادی | عدد معنی داری |
|------------------------|---------|------------|---------------|
| احساس نابرابری اجتماعی | ۱۲/۱۰ | ۲۳۸ | ۰/۳۰۰۰ |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به خروجی SPSS آماره t محاسبه شده برابر با (۱۱/۴۹) است. مقدار عدد معنی داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۳ بوده است که از سطح معنی داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که میزان احساس نابرابری اجتماعی افراد بر الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی تأثیرگذار می‌باشد.

آزمون فرضیه فرعی چهارم:

هرچه میزان احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان کاهش می‌یابد.

آزمون آماری فرضیه فرعی چهارم به شرح زیر است:

هرچه میزان احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان کاهش نمی‌یابد. H_0

هرچه میزان احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد بیشتر باشد، الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان کاهش می‌یابد. H_1

نتایج حاصل از آزمون t تک نمونه‌ای در مورد احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد در جداول ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۵- شاخص‌های مرکزی و پراکنندگی مربوط به احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد

| شاخص | تعداد پاسخ دهندگان | میانگین امتیازات | انحراف معیار |
|-----------------------------------|--------------------|------------------|--------------|
| احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد | ۲۳۹ | ۳/۴۸ | ۰/۸۸ |

منبع: یافته‌های پژوهش

جدول شماره ۱۶- آماره آزمون t تک نمونه‌ای مربوط به شاخص احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد

| شاخص | آماره t | درجه آزادی | عدد معنی داری |
|-----------------------------------|---------|------------|---------------|
| احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد | ۸/۳۹ | ۲۳۸ | ۰/۰۰۰۲ |

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به نتایج حاصل از تحلیل آماری صورت گرفته، آمارها محاسبه شده برابر با (۱۱/۴۹) می‌باشد. مقدار عدد معنی داری مشاهده شده برابر ۰/۰۰۰۲ بوده است که از سطح معنی داری استاندارد (۰/۰۵) کمتر است. لذا فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید نمی‌شود؛ یعنی می‌توان گفت که شاخص احساس مشروعیت نظام سیاسی بر الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی تأثیرگذار است.

همچنین در پایان به منظور رتبه‌بندی هر یک از متغیرهای مشارکت سیاسی در استان گلستان که شامل: هویت قومی و مذهبی، تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب، احساس نابرابری اجتماعی و احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد از آزمون فریدمن استفاده شد که جداول مربوط به آن در ذیل آمده است:

جدول شماره ۱۷- میانگین رتبه‌های هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده سطح مشارکت سیاسی حاصل از آزمون فریدمن

| میانگین رتبه‌ها | میانگین رتبه‌های هر یک از متغیرهای تشکیل دهنده سطح مشارکت سیاسی |
|-----------------|---|
| ۲/۸۲ | هویت قومی و مذهبی |
| ۲/۴۳ | تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب |
| ۲/۴۷ | احساس نابرابری اجتماعی |
| ۲/۲۸ | احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد |

منبع: یافته‌های پژوهش

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌گردد، بالاترین رتبه مربوط به هویت قومی و مذهبی با میانگین رتبه (-) ۲/۸۲ است، دومین رتبه مربوط به احساس نابرابری اجتماعی با میانگین رتبه (۲/۴۷) است، تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب با میانگین رتبه (۲/۴۳) در رتبه سوم قرار دارد و نهایتاً پایین‌ترین رتبه مربوط به احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد با میانگین رتبه (۲/۲۸) است.

بر اساس یافته‌های ناشی از مبانی نظری و نتایج و یافته‌های تحلیلی اطلاعات جمع‌آوری شده از طریق عملیات میدانی، می‌توان نتایج پژوهش حاضر را به شرح زیر ارائه نمود:

با آزمون فرضیه اصلی، رابطه مستقیم و معنی‌دار بین قومیت و مذهب و سطح مشارکت سیاسی در استان گلستان وجود دارد.

با توجه به نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی اول می‌توان گفت که متغیر هویت قومی و مذهبی بر سطح مشارکت سیاسی تأثیرگذار می‌باشد.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی دوم نشان دهنده آن است که متغیر تعاملات افراد با سایر اقوام و مذاهب بر سطح مشارکت سیاسی تأثیرگذار می‌باشد.

با توجه به نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی سوم می‌توان گفت که متغیر احساس نابرابری اجتماعی بر سطح مشارکت سیاسی تأثیرگذار است.

نتیجه حاصل از آزمون فرضیه فرعی چهارم نشان‌دهنده آن است که متغیر احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد بر سطح مشارکت سیاسی تأثیرگذار می‌باشد.

نتیجه‌گیری

عوامل اثرگذار بر میزان مشارکت سیاسی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: انگیزه‌های سیاسی، موقعیت اجتماعی، ویژگی‌های شخصی و محیط سیاسی. بدین‌سان که هرچه فرد بیشتر در معرض انگیزش‌های سیاسی به شکل بحث درباره سیاست، فعالیت در سازمان سیاسی فعال یا دسترسی به اطلاعات سیاسی قرار گیرد، احتمال مشارکت سیاسی‌اش بیشتر می‌شود؛ اما نوع مشارکت سیاسی با توجه به ویژگی‌های شخصی فرد تفاوت می‌کند: افراد اجتماعی‌تر، مسلط‌تر و برون‌گراتر بیشتر احتمال دارد که از نظر سیاسی فعال باشند. همچنین موقعیت اجتماعی که با میزان تحصیلات، محل سکونت، طبقه و قومیت سنجیده می‌شود، به میزان زیادی در مشارکت اثر می‌گذارد. محیط یا زمینه

سیاسی نیز مهم است، فرهنگ سیاسی ممکن است مشارکت و شکل یا شکل‌های مشارکت مناسب را تشویق کند یا برعکس، مشوق مشارکت نباشد. بنابراین، قواعد بازی مانند حق رأی در انتخابات، سرشت احزاب سیاسی، مقام‌های سیاسی مورد انتخاب و... همه متغیرهای مهمی هستند. به این عوامل مهارت‌ها، منابع و تعهد را هم باید افزود. مهارت‌های اجتماعی، مهارت‌های تحلیلی، توانایی سازمانی و مهارت‌های سخنوری نیز می‌توانند مشارکت را افزایش دهند. فعالیت نیازمند منابع نیز هست، مانند وقت، پول، تعهد مالی، کمک‌های اهدایی و... افزون بر این‌ها در بیشتر موارد، فرد به تعهد نیز نیاز دارد. بر سرهم مشارکت سیاسی دو گونه است: مشارکت سیاسی فعالانه و مشارکت سیاسی منفعلانه؛ مشارکت سیاسی فعالانه، جلوه‌های عقلانی ارادی دارد و مبتنی بر محاسبات مربوط به تعامل بین منافع گوناگون و راه‌های مناسب و معقول برای دسترسی به آن است. در این نوع از مشارکت، روش‌های مشروع و قانونی در چارچوب نظام سیاسی برای اثرگذاری بر روند سیاست‌ها و اداره امور عمومی بکار گرفته می‌شود.

پیکارهای سیاسی به عنوان یکی از مهم‌ترین متغیرهای اجتماعی، بر مبنای شکاف‌های اجتماعی شکل گرفته و در صدد مدیریت آن‌ها هستند. کمتر جامعه‌ای را می‌توان یافت که دارای شکاف اجتماعی نباشد، بنابراین ضرورت برنامه‌ریزی سیاسی در تمام کشورها به عنوان ساز و کار مدیریت شکاف‌ها به وضوح مشاهده می‌شود. به طور کلی، می‌توان شکاف‌های اجتماعی را از لحاظ ماهیت و نوع آن به پنج دسته سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی طبقه‌بندی کرد. هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر مشارکت سیاسی در استان گلستان است. جامعه آماری آن نیز ۱۵۰ نفر است. یافته‌ها حاکی از آن است که بین شکاف‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی دو متغیر شکاف اجتماعی و مشارکت سیاسی ۰/۶۱ می‌باشد که با توجه به سطح معناداری می‌توان گفت این رابطه معنادار است. این نتیجه تأیید کننده تحقیقات پیشین از جمله پژوهش خوشفر است. در رگرسیون خطی نیز مشخص گردید که شکاف‌های قومی و مذهبی تأثیر معناداری بر ۳۷ درصد تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) / مشارکت سیاسی دارد. همچنین متغیر شکاف‌های قومی و مذهبی ۳۷/۳ درصد از درصد از تغییرات متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را توضیح می‌دهد.

از آنجا که چارچوب نظری منتخب در این پژوهش نظریه پاتنام می‌باشد با توجه به یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که نظر به ایشان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

در مجموع چند یافته بارز در این مقاله وجود دارد:

۱- میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان در نهادهای سیاسی زیان و خیلی زیاد است. در مورد اعتماد به کنشگران سیاسی این میزان کم است. این یافته تأیید کننده یافته‌های پناهی می‌باشد. نتایج تحقیقات این محقق نشان می‌دهد که میزان مشارکت در نهادهای سیاسی بیشتر از اعتماد به کنشگران سیاسی است.

پیشنهادها

- تلاش برای تلفیق هویت قومی و مذهبی افراد با هویت ملی از طریق مشارکت دادن مردمان استان گلستان در فرایندهای سیاسی ملی و بومی.

- افزایش تعاملات مرمغان این استان با سایر اقوام و مذاهب از طریق گسترش گردشگری.

- تلاش برای فرونشاندن احساس نابرابری اجتماعی در استان گلستان از ریق برنامه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی.

- مدیریت و برنامه‌ریزی برای افزایش میزان احساس مشروعیت نظام سیاسی در افراد از طریق گوناگون تا الگوی رأی‌دهی قومی و مذهبی آنان کاهش یابد.

- تلاش برای افزایش میزان مصرف رسانه‌ای ساکنان استان از طرقی مانند تولید برنامه‌های مشترک با سیمای استان و اختصاص بودجه‌های مطلوب به تحقیق در مورد فرهنگ استان برای طراحی و تولید برنامه‌های متناسب.

منابع

- کاویانی راد، مراد (۱۳۸۶)، جغرافیای انتخابات، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۳۷.
- حیدری، غلامحسین (۱۳۸۴)، نظام ژئوپلیتیک جهانی در قرن ۲۱ و موفقیت ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، ویژه‌نامه.
- خلیلی، رضا (۱۳۹۴)، تأثیر شکاف‌های اجتماعی بر امنیت ملی ایران؛ در جستجوی چارچوبی تحلیلی، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۷۰.
- ابراهیمی، قربانعلی و علی بابازاده بانی و حسین ابراهیمی گنابی (۱۳۹۰)، بررسی تأثیر اعتماد سیاسی بر مشارکت سیاسی: (مطالعه دانشجویان عضو تشکل‌های انجمن اسلامی و بسیج دانشجویی دانشگاه‌های مازندران و صنعتی نوشیروانی بابل)، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان، شماره ۴.
- مسعود نیا، ابراهیم (۱۳۸۰)، تبیین جامعه‌شناختی بی‌تفاوتی شهروندان در حیات اجتماعی و سیاسی، فصلنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۶۷ و ۱۶۸.
- مذهب دار قشقای، هما (۱۳۸۲)، از مشارکت تا مشارکت/ درآمدی بر سه رویکرد در مشارکت سیاسی، فصلنامه ضمیمه خردنامه همشهری، شماره ۸.
- عبدالله، عبدالمطلب (۱۳۸۸)، سیری در نظریه‌های رفتار رأی‌دهی، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۸.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۳)، پژوهش: بررسی مقدماتی کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تحلیل وضعیت تأمین اجتماعی در ایران، فصلنامه تأمین اجتماعی، شماره ۱۶.
- دیلم کتولی، هاجر و هنگامه دیلم کتولی (۱۳۹۵)، ارزیابی اثرات گردشگری شهرستان گرگان با رویکرد توسعه پایدار، فصلنامه پژوهش‌های نوین علوم جغرافیایی، معماری و شهرسازی، سال اول - شماره ۲.
- گل پرینان، طواق (۱۳۸۹)، انسان و محیط بناهای قدیمی همساز با اقلیم در بافت فرسوده‌ی شهر گمیشان، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، شماره ۹۳.
- هویان، آندرانیک (۱۳۷۸)، استان گلستان، فصلنامه نامه اتاق بازرگانی، شماره ۳۸۰.

<https://www.semanticscholar.org>

<https://www.mehrnews.com>

golestan.ir

<http://www.chap.sch.ir>

<http://golestanp.ir>